

مطالعه تطبیقی کیفیت معیشت عشایر اسکان یافته در کانون جمعیتی سلین با عشایر کوچنده (مطالعه موردی: دهستان قشلاق بخش آبش احمد شهرستان کلبر)

ارسطو یاری حصار* - دانشیار گروه برنامه ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

بهرام ایمانی - دانشیار گروه برنامه ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

محسن سعیدی تراکمه - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۷ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۵ آذر ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: جامعه عشایری ایران به عنوان یک واقعیت اجتماعی، بخشی از ساختار تاریخی سیاسی و فرهنگی و عضو فعال از پیکره جامعه ملی است. این در حالی است که بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد الگوی معیشت عشایری با بحران مواجه است. در صورتی که این ناپایداری بدلیل عدم برخورداری ادامه یابد، توسعه ملی نیز به خطر خواهد افتاد.

هدف پژوهش: هدف پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی کیفیت معیشت عشایر اسکان یافته در کانون جمعیتی سلین با عشایر کوچنده دهستان قشلاق بخش آبش احمد شهرستان کلبر می‌پردازد.

روش شناسی تحقیق: جامعه آماری پژوهش عشایر کوچرو و اسکان یافته دهستان قشلاق بخش آبش احمد شهرستان کلبر می‌باشد. که جامعه نمونه طبق روش نمونه‌گیری کوکران برای عشایر کوچرو ۲۹۰ نفر و برای عشایر اسکان یافته ۴۰ نفر به دست آمد و پرسشنامه‌ها بصورت تصادفی بین سرپرستان خانوار پخش گردید. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون T تک‌نمونه‌ای و همبستگی پیرسون استفاده گردید.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: محدوده‌ی جغرافیایی پژوهش دهستان قشلاق بخش آبش احمد شهرستان کلبر می‌باشد.

یافته‌ها و بحث: نتایج حاصل از روش T تک نمونه‌ای نشان داد که کیفیت معیشت عشایر کوچرو (با میانگین ۲/۹۷) کم‌تر از میانگین نظری (۳) و در حد متوسط رو به پایین ارزیابی می‌شود. همچنین کیفیت معیشت عشایر اسکان یافته (با میانگین ۳/۰۵) بالاتر از میانگین نظری (۳) و در حد متوسط رو به بالا می‌باشد.

نتایج: نتایج آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان رابطه معنادار بین متغیرهای مورد بررسی پژوهش با کیفیت معیشت عشایر کوچرو و اسکان یافته را نشان داد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان ادعان کرد وضعیت معیشت عشایر اسکان یافته نسبت به عشایر کوچرو در دهستان قشلاق بخش آبش احمد شهرستان کلبر در وضعیت مناسبی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت معیشت، عشایر کوچرو، عشایر اسکان یافته، آبش احمد، کلبر.

مقدمه

امروزه یکی از سبک‌های زندگی که روزبه‌روز از تعداد زندگی به این سبک کاسته می‌شود، زندگی عشایری هست که معیشت اصلی آنها مبتنی بر فعالیت‌های دامداری است (Zhang et al, 2020: 3). یکی از دلایل اصلی این کاهش را می‌توان به نوع معیشت و کیفیت پایین این نوع از زندگی در قیاس با زندگی یکجانشینان همچون عشایر اسکان‌یافته و زندگی روستایی و شهری، مربوط دانست (Thulstrup, 2015: 12). امروزه در نتیجه دخالت عوامل زیادی از سطوح محلی، ملی و بین‌المللی از جمله ورود عناصر مدرن به درون جامعه عشایری، جامعه عشایری در ابعاد متفاوت دچار از شکل افتادگی و از هم‌پاشیدگی شده است. این شرایط نابسامان مردم عشایری را با پیامدهای منفی روزافزونی چون بلا تکلیفی و سرخوردگی‌های روانی، برون‌گرایی و نارضایتی از ادامه وضعیت سخت و پرمشقت موجود، احساس خستگی از کوچ و گرایش شدید به اسکان برای برخورداری از امکانات نوین و توسعه و بهبود زندگی خود روبرو نموده است (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۳۵). در حال حاضر جامعه عشایر کشور یکی از مراحل حساس زندگی خود را طی می‌کند. گذار از شیوه معیشتی دامداری سنتی و انتخاب شیوه معیشتی که بتواند نیازهای روز او را جواب‌گو باشد و از خدمات مختلف نیز برخوردار گردد، مرحله‌ای حساس و مهم برای این جامعه است. در واقع به علت محرومیت و شرایط سخت زندگی و همچنین بهره‌برداری بیشتر از قابلیت‌های عشایر، ساماندهی جامعه عشایر همواره مورد توجه بوده است (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵) و تحول معیشت از کوچ‌نشینی به اسکان پدیده‌ای رایج است (افراخته، ۱۳۸۴: ۱۰۹). معیشت، راه تفکر مبتنی بر فقر و آسیب‌پذیری زندگی است و به فعالیت‌های توسعه کمک می‌کند که مردم محور، پاسخگو و مشارکتی، چند سطحی، هدایت‌شده، پویا و پایدار باشد (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۹).

رهیافت معیشت پایدار به لحاظ جامعیت و توجه به اصل پایداری، با تلفیق مناسب دارایی‌ها و منابع، سازوکارهایی را جهت اشتغال و درآمد مطمئن و غیر مخرب فراهم می‌آورد و با کنار گذاشتن روش‌های حذفی و محدودکننده، جوامع محلی را به سمت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی سوق خواهد داد (کرمی دهرودی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). معیشت پایدار یک‌راه تفکر در مورد اهداف، دامنه و اولویت برای توسعه است که هدف آن افزایش پیشرفت در حذف فقر می‌باشد (Ashley and Carney, 1999: 14) و از آنجایی که جامعه عشایری جزء جوامعی است که به دلیل نبود تنوع و جذابیت در اشتغال، اغلب با مشکلات معیشتی زیادی مواجه هستند و راهبردهای معیشت که نشان‌دهنده محدوده و ترکیبی از فعالیت‌ها و انتخاب‌های ساخته‌شده توسط خانواده‌ها است (Fang, 2013: 56). می‌تواند در دستیابی به معیشت باکیفیت برای این جوامع مؤثر باشد.

در کشور ایران معیشت عشایری، متأثر از جریان تغییرات و تحولات جامعه در زمینه‌های مختلف دستخوش تغییرات فراوانی شده است (طهماسبی و همکاران، ۲۰۱۶: ۳). این تغییرات، موجب شده است جوامع عشایری به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی به حاشیه رانده شوند. بررسی آمارهای جمعیتی نیز مؤید روند کاهشی جمعیت عشایری ایران است. به طوری که سهم عشایر کوچنده از جمعیت کشور به ۱/۶۸٪ تقلیل یافته است (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). در نتیجه، سیستم معیشت بسیاری از عشایر کوچنده از مرزهای تاب‌آوری خود عبور کرده و به سرعت به سمت الگوی معیشت یکجانشینی گرایش پیدا کرده است. اگرچه، شاید اسکان، سرنواشت اجتناب‌ناپذیر عشایر کوچنده باشد، اما اجبار در گذار از یک سیستم معیشت، پیش از فراهم شدن الزامات آن، موجب می‌شود که عشایر به راحتی در سیستم معیشت جدید جذب نشوند و سیستم جدید نیز قادر نباشد آن‌ها را هضم کند.

عشایر منطقه کلپیر هم از این امر مستثنا نیستند. عشایر این منطقه به خاطر داشتن معیشت سنتی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند. از هم‌پاشیدگی نظام ایلی، از بین رفتن ایل راه‌ها، پایین بودن سطح درآمدها، کمبود آب آشامیدنی انسان و دام، کمبود امکانات رفاهی، درمانی، بهداشتی، آموزشی و امنیتی و همچنین بالا رفتن هزینه‌های تولید، عدم اشتغال، ناسازگاری نسل جدید عشایر با زندگی کوچ‌نشینی و تمایل به زندگی یکجانشینی و ... نمونه‌ای از مسائل عشایر منطقه کلپیر می‌باشد. جهت گیری‌های اقتصادی موجبات گسترش فقر را برای دامداران کوچنده فراهم آورده است و این فقر در مسیر تحول تاریخی به صورت قشری ضعیف و محروم از دستاوردهای تمدن جدی به زندگی سنتی خود ادامه داده اند. از آنجایی که برخی از عشایر این منطقه مثل قانون جمعیتی سلین اسکان‌یافته می‌باشند و یکی از عوامل مهم برای اسکان عشایر، بهبود کیفیت معیشت آن‌ها می‌باشد فلذا برای ارزیابی از مؤثر بودن برنامه اسکان لازم است تا مؤلفه‌های کیفیت معیشت در جامعه کوچ‌رو و اسکان‌یافته مقایسه شود. در این تحقیق سعی شده تا کیفیت معیشت در بین دو گروه عشایر اسکان‌یافته و کوچ‌رو دهستان قشلاق بخش آتش احمد شهرستان کلپیر مطالعه شود.

مفهوم معیشت به معنای تفکر در مورد دسترسی به دارایی‌ها و مدیریت برای نگهداری آن است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱).

معیشت وسیله‌ای برای امرامعاش توسط یک فرد یا خانواده است که ترکیبی از دارایی‌های فرد یا خانواده، فعالیت‌ها و منابع و دسترسی به این منابع با میانجی‌گری نهادها و روابط اجتماعی را شامل می‌شود (Tang, 2013: 18) و شامل قابلیت، دارایی و فعالیت‌هایی است که برای یک زندگی موردنیاز است (Tao and Wall, 2009: 94). معیشت طبق آنچه تعریف شد، مشتمل بر توانایی‌ها، دارایی‌ها شامل هر دو بعد مادی و منابع اجتماعی و فعالیت‌هایی است که برای زندگی موردنیاز است. در واقع معیشت تنها شامل فعالیت‌هایی که درآمدی را برای خانوار تولید می‌کند نیست؛ بلکه نهادها، اجتماعی، روابط فراخانواری، سازوکارهای دسترسی به منابع در طول دوره زندگی را نیز در برمی‌گیرد (سلمانی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). راهبردهای معیشتی ترکیبی از فعالیت‌ها هستند که مردم برای دستیابی به اهداف خود که همان امرامعاش است انتخاب می‌کنند. در بسیاری از مناطق روستایی، بقا و یا بهبود زندگی مردم، به دلیل تفاوت زیادی که در محیط‌زیست، شرایط موهبت و دارا بودن انرژی طبیعی، حمل‌ونقل، موقعیت جغرافیایی، سطح توسعه اقتصادی و غیره وجود دارد (Fan, 2011: 1204) و تنها با تکیه بر کشاورزی امکان‌پذیر نیست، بلکه اتخاذ طیف وسیعی از راهبردهای معیشتی متنوع و هدف‌گرا بر اساس تفاوت منطقه‌ای لازم است. راهبردهای معیشتی ممکن است با کاربرد منابع طبیعی برای فعالیت، مهاجرت و ارسال وجوه، فعالیت‌های خارج از مزرعه، مقرر و حقوق بازنشستگی و... باشد؛ بنابراین، انتخاب راهبرد یک فرایند پویا است. خانوارهای روستایی مجموعه‌ای از استراتژی‌های معیشت را برای تبدیل این سرمایه‌ها به ستاده‌ها انتخاب می‌کنند که به نوبه خود تحت تأثیر سیاست‌ها، مداخله‌گری‌ها و برنامه‌های مؤسسه‌های بیرون از اجتماعات و درون اجتماعات می‌باشند. استراتژی‌های معیشتی فعالیت‌هایی هستند که برای بقای معیشتی به کار گرفته می‌شوند. راهبرد معیشتی را می‌توان به‌عنوان انتخابی آگاهانه و راهبردی از ترکیب فعالیت‌های خانوارها و اعضای آن افراد به‌عنوان وسیله برای بقا، امنیت و بهبود معیشت آن‌ها تعریف کرد (De Haas, 2007: 37). معیشت در بردارنده ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و دیگر جنبه‌هایی است که مستقیم و غیرمستقیم به دو صورت پیش‌بینی شدنی و پیش‌بینی نشدنی، بر رفاه مردم تأثیر می‌گذارد. به‌کارگیری چنین چارچوبی همانند ابزار تحلیلی و راهنمای عملی در طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی مناسب‌تر در زمینه توسعه روستایی، ضروری به نظر می‌رسد. نهادینه شدن تدریجی رویکرد معیشت در دستور کار برنامه‌ریزی سازمان‌های توسعه در سراسر جهان می‌تواند همچون اساس و مبنایی برای توسعه روستایی حامی فقرا، موردتوجه قرار گیرد (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۷). در رویکرد معیشتی، منابع به پنج مورد تقسیم می‌شوند که اعضای خانوار به آن دسترسی داشته یا مالک آن هستند: ۱- سرمایه انسانی (مهارت، آموزش، سلامت) ۲- سرمایه فیزیکی (کالاها، سرمایه‌ای تولیدی، ساختمان‌ها، ابزار، جاده‌ها و ...) ۳- سرمایه‌های مالی (پول، پس‌اندازها، دسترسی به وام و قرض) ۴- سرمایه طبیعی (زمین، آب، درخت، دام و غیره) ۵- سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها و اتحادیه‌ها) (Ellis, 2000: 40). چارچوب پنج‌بخشی دپارتمان توسعه بین‌الملل بریتانیا در سال ۱۹۹۹، یکی از بهترین رویکردها درباره معیشت است (Shen, 2009: 56). در چارچوب مذکور، بر اساس پنج جزء رویکرد معیشت، بر رویکردی مردم محور تأکید شده است. پنج جزء اساسی عبارت‌اند از: سرمایه انسانی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی و مالی. این پنج دارایی به همدیگر وابسته‌اند و هر یک می‌تواند سایر دارایی‌ها را کامل کند (شکوری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۶). سونز سه نوع از راهبردهای معیشتی را در کشورهای درحال توسعه ذکر کرده است که خانوارهای روستایی برای حفظ معیشت خود انتخاب می‌کنند: ۱- کشاورزی فشرده و گسترده؛ ۲- متنوع کردن معیشت شامل کار برای دستمزد و راه‌اندازی کسب‌وکار؛ ۳- مهاجرت از روستا (Timalsina, 2007: 31). عنصر نتایج معیشتی در چارچوب معیشت پایدار، مسئله پایداری نتایج و تأثیرات توسعه را موردتوجه قرار می‌دهد. نتایج معیشت می‌تواند شامل درآمد بیشتر، افزایش رفاه زیستی، کاهش آسیب‌پذیری، کاهش نابرابری، بهبود امنیت غذایی، پایداری محیط‌زیست با استفاده پایدار از منابع طبیعی باشد که باعث بهبود و ارزش و منزلت انسانی می‌شود. نتایج معیشتی به‌طور فردی، خانواده‌ای و منطقه‌ای برافزایش درآمد، افزایش رفاه، کاهش آسیب‌پذیری، بهبود مواد غذایی، افزایش امنیت و پایداری منابع طبیعی اثر می‌گذارد (Tang et al, 2013: 18). پیامدهای معیشتی، دستاوردها و خروجی‌های اقدامات معیشتی است و می‌تواند در ایجاد انگیزه در تعیین فعالیت‌ها کمک کند (CHF, 2005: 54).

در رابطه با موضوع این پژوهش، مطالعات دیگری توسط پژوهشگران مختلف انجام شده است که در ادامه به مرتبط‌ترین آنها اشاره می‌گردد. از جمله این مطالعات پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۵) است که با هدف بررسی فقر اقتصادی عشایر اسکان‌یافته استان فارس و تعیین عوامل مؤثر بر آن انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که عوامل سطح سواد، سن، بعد خانوار و تعداد دام بر فقر خانوارهای عشایری اسکان‌یافته تأثیرگذارند. بریمانی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی که به منظور تأثیر اسکان عشایر بر میزان مشارکت زنان در تأمین درآمد خانوار (مطالعه موردی: زنان عشایر سیستانی)، انجام دادند، دریافته‌اند که وضعیت عمومی عشایر اسکان‌یافته نسبت به عشایر کوچرو نامناسب است و نقش زنان عشایر در تولید فرآورده‌های لبنی و صنایع دستی پس از اسکان تضعیف و درآمد خانوار نیز کاهش یافته است. راشدنسب و احمدوند (۱۳۹۷)، به

تبیین راهبردهای بهبود معیشت عشایر در شهرستان گچساران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با توجه به پتانسیل‌های عشایری منطقه، تمرکز بر راهبردهای درون‌زا جهت برنامه‌ریزی جامع از طریق بازنمایی نقاط قوت، تقویت فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها و نقاط ضعف ضروری است. بر همین اساس، مهم‌ترین راهبرد توسعه معیشت عشایر گچساران راهبرد تدافعی می‌باشد. چراغی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی که به منظور تحلیل پایداری معیشت و شیوه سکنی‌گزینی عشایر در شهرستان ایلام انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شیوه کوچ‌نشینی دارای بالاترین اولویت و اسکان دارای پایین‌ترین اولویت بوده است. غزالی و زیبایی (۱۴۰۰)، به بررسی پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی معیشت عشایر استان فارس با استفاده از منطق فازی پرداختند و دریافتند که شیوه معیشت مبتنی بر دامداری سنتی منجر به وضعیت اقتصادی فقیر برای خانوارها و شرایط زیست‌محیطی ناپایدار برای مرتع‌های طبیعی می‌شود، و دستیابی به پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی مشروط بر ترکیب درست و بهینه‌داری‌های معیشتی است.

فانگ و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهش خود بیان می‌کند راهبرد معیشت به معنی دامنه و ترکیبی از فعالیت‌ها و انتخاب‌های ساخته‌شده توسط خانواده‌ها می‌باشد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که سرمایه‌های طبیعی و انسانی به نمایش گذاشته‌شده با راهبردهای معیشتی مزرعه‌همبستگی مثبت دارند و سرمایه‌های معیشتی در درازمدت، مفید خواهد بود مگر به‌وسیله سیاست‌های نسبی که موجب افزایش ظرفیت و افزایش دسترسی به سرمایه‌های تکمیلی شود. جیاو و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی که با هدف استراتژی‌ها و پویایی معیشت روستایی در کامبوج انجام دادند به این نتیجه رسیدند خانوارهای روستایی از پنج راهبرد معیشتی مستقل پیروی می‌کنند و فرصت‌ها، فشارها و مشوق‌ها ۷۰ درصد از تغییرات معیشت خانوارهای روستایی را در تبیین نموده است. احمد و همکاران (۲۰۲۱)، این مطالعه نشان می‌دهد، جامعه مورد مطالعه از جایگاه اجتماعی پایینی فراتر از جوامع خود برخوردار بودند، زیرا در سلسله مراتب اجتماعی از هم جدا بودند و هیچ ارتباطی با نهادهای محلی نداشتند. همچنین افزایش مشارکت آموزشی، ترتیب دادن اقامت دائم، آموزش فعالیت‌های درآمدزای متنوع و ارائه حمایت‌های مالی برای بهبود وضعیت معیشتی و کاهش وضعیت فقر جوامع ماهیگیران شناور مورد نیاز است. شکری و همکاران (۲۰۲۲)، تاب‌آوری معیشت عشایر از طریق گردشگری را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند، توسعه گردشگری تاب‌آوری معیشتی عشایر را از طریق بهبود کیفیت چندکارکردی سرمایه‌های معیشتی و کاهش اتکال معیشت عشایر به دامپروری با تنوع بخشیدن به منابع درآمد، تقویت می‌کند.

مروری کلی بر تحقیقات انجام‌شده در راستای موضوع مطالعه تطبیقی کیفیت معیشت عشایر اسکان‌یافته با عشایر کوچنده نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی تحت موضوع مورد مطالعه در جهت جمع‌آوری اطلاعات از وضعیت کیفیت معیشت عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته در شهرستان کلبر انجام نگرفته و پژوهش حاضر می‌تواند گامی مؤثر در جهت انجام دادن تحقیقات در این خصوص باشد.

روش پژوهش

بر مبنای موضوع، سوالات، فرضیات و نیز اهداف پژوهش، تحقیق حاضر کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش خانوارهای عشایر اسکان‌یافته در کانون جمعیتی سلین و عشایر کوچنده دهستان قشلاق بخش آبش احمد شهرستان کلبر است. مطابق با آخرین آمار تعداد خانوار عشایر کوچنده دهستان قشلاق بخش آبش احمد ۱۱۴۲ خانوار بود، که در این پژوهش جهت دقت بیشتر روستاهای زیر ۱۰ خانوار حذف گردید و با حذف این دهستان‌ها میزان خانوار عشایر کوچنده ۱۱۰۹ خانوار به‌دست آمد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برابر ۲۸۳ خانوار برآورد گردید و برای اطمینان و دقت بیشتر به ۲۹۰ خانوار ارتقاء داده شد. بر این اساس تعداد ۲۹۰ پرسشنامه در بین سرپرستان خانوار عشایر کوچنده براساس درصد خانوار هر عشایر پخش گردید (جدول ۱). همچنین تعداد خانوار عشایر اسکان‌یافته سلین ۴۴ خانوار که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۴۰ خانوار به‌دست آمد. در کل ۳۳۰ پرسشنامه بین عشایر کوچرو و اسکان‌یافته دهستان قشلاق بخش آبش احمد پخش گردید. انتخاب نمونه در جامعه محلی به‌صورت تصادفی سیستماتیک انجام گرفته است.

1 - Fang et al

2 - Jiao

3 - ahmed et al

4 - shekari et al

جدول ۱. جامعه آماری و حجم نمونه

نام قشلاق	تعداد خانوار	حجم نمونه	نام قشلاق	تعداد خانوار	حجم نمونه
قائلو لاجین	۱۰	۳	ساری درق	۳۷	۴
اسپهار سفلی	۱۵	۴	کاغلو کوزلو	۹۴	۱۰
جیغ جیغ	۳۵	۹	یلی علیا	۴۹	۲۵
آخمد بزرگ	۱۷	۵	یلی سفلی	۵۶	۱۳
چات قیه	۳۹	۳	کهلی چوبانلار	۲۸	۱۵
پیراحمدلو	۲۳	۱۱	گازلوی حاج یونس (سفلی)	۴۹	۸
قره باغلو	۴۲	۶	قره داغلو	۱۰۸	۱۳
ازون قیه	۳۳	۱۱	قوش قیه سی	۱۲۳	۲۹
شاملوی بزرگ	۱۲۶	۹	کانون جمعیتی سلین	۴۴	۳۳
شاملوی کوچک	۳۶	۳۴	قره قیه	۱۳۲	۳۵
بختیارلو	۱۳	۱۰	عشایر اسکان یافته سلین	۴۴	۴۰

یافته

جهت تحلیل موضوع و برای سنجش و اندازه‌گیری، متغیرهای پژوهش در قالب ۵ بعد سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه طبیعی و سرمایه مالی تدوین گردید و شاخص‌ها و نماگرها بر اساس مطالعات سایر پژوهش‌گران جمع‌بندی و بر اساس آن اقدام به طراحی پرسشنامه گردید. جهت تعیین روایی صوری پرسشنامه از نظرات صاحب‌نظران، اساتید و کارشناسان متخصص در زمینه موضوع مورد بررسی استفاده شد و پس از تغییرات لازم، روایی صوری آن مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش پایایی سوالات پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ نتیجه پرسش‌ها مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به نتایج به دست آمده بالاترین میزان ضریب پایایی ۰/۸۴ مربوط به معیار سرمایه انسانی و پایین‌ترین ضریب پایایی ۰/۷۷ درصد مربوط به معیار سرمایه مالی می‌باشد. پایایی کل نیز ۰/۸۰ بدست آمد (جدول ۲). جهت پردازش اطلاعات بدست آمده از نرم‌افزار آماری SPSS و Excel گردیده است. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آزمون‌های T تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون بهره گرفته شده است.

جدول ۲. فهرست شاخص‌ها و نماگر مورد مطالعه

پایایی	نماگر	شاخص	ابعاد
	میزان مهارت در زاد و ولد گوسفند، توانایی در انتخاب دام، توانایی در تشخیص عمر دام، مهارت در خروج دام از گله، توانایی در کنترل بیماری‌های دامی، فنون پرواربندی دام، پرورش اسب، تولید فراورده‌های لبنی، تولید صنایع پوستی، مهارت در کار ریسندهی، دامداری صنعتی، مهارت‌های کشتارگاهی، مهارت در انجام شغل‌های غیر از دامداری، مهارت در کارهای فنی، مهارت در کارهای کشاورزی، مهارت در پرورش گیاهان دارویی و قارچ.	مهارت	
۰/۸۴	مصرف هفتگی مواد پروتئینی، مصرف هفتگی سبزیجات و میوه، رضایت از وضعیت تغذیه خانواده، سلامت جسمی کافی جهت انجام فعالیت‌ها، به موقع زدن واکسن فرزندان، بهره‌مندی از مراقبت‌های بهداشتی کودکان، انجام گرفتن ازدواج فامیلی در طایفه، ایمن‌سازی علیه بیماری‌های عفونی، ریختن زباله در فضای باز، آگاهی از آموزش‌های همگانی بهداشتی، کنترل و درمان مناسب بیماری‌ها، بهره‌مندی از بهداشت روان سالم و خوب، توان تأمین هزینه‌های بهداشت و درمان، برخورداری از حمام ضد کتله برای دامها، دسترسی به دامپزشک، تلفات دام در اثر بیماری، واکسیناسیون دام‌ها، مبتلا به بیماری‌های مشترک بین دام و انسان، تعداد افراد بیمار، مراجعه به پزشک در سال، دارا بودن دفترچه بیمه، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و تعداد کودک فوتی.	تغذیه و بهداشت	سرمایه انسانی
۰/۷۹	مشارکت در سرمایه‌گذاری برای حفر چاه، شرکت در انتخابات، مشورت در کارهای مهم با یکدیگر، مشارکت زنان و دختران، شرکت در حل اختلاف میان طایفه‌ای، مشارکت در شورای اسلامی عشایر، شرکت در برنامه‌ها و جلسات مذهبی، مشارکت در امور تولیدی مشترک، مشارکت در حل اختلاف زمین و مرتع، همکاری در انداختن و برپا کردن چادر، مشارکت در طرح‌های اصلاح و احیای مراتع.	مشارکت	سرمایه اجتماعی

اعتماد	اعتماد جهت انتخاب مکان اسکان، سرمایه‌گذاری برای احداث پرواربندهی، ضمانت برای دریافت وام، مراجعه به ریش سفیدان، حرف شنوی افراد طایفه، اعتماد به مسئولان دولتی، مشورت در مورد مسائل کوچ، مشورت در مورد مسائل مربوط به دام، اعتماد به هم در مورد مسائل مربوط به مرتع.	
تعامل و همبستگی اجتماعی	کار گروهی و کمک به یکدیگر، اختلاف طایفه ای و فامیلی، داشتن روابط صمیمانه با همسایگان، پابندی به آداب و رسوم قومی، شرکت در مراسم شادی و جشن یکدیگر، شرکت کردن در مراسم عزای یکدیگر، همکاری و همفکری در تولید صنایع دستی، کمک مالی به همدیگر، شرکت در انواع مسابقات، امانت دادن وسایل، ابزار و ماشین آلات به یکدیگر، همکاری در پیدا کردن گوسفندان مفقودشده، همکاری در تأمین آب مصرفی، همکاری در پشم چینی گوسفندان، همکاری و کمک به چرای گوسفندان، همکاری در واکنش‌های گوسفندان.	
کیفیت محیط سکونت	دسترسی به حمام و سرویس بهداشتی مناسب، مقاومت محیط مسکونی در برابر حوادث، دسترسی به امکانات سرمایشی و گرمایشی، داشتن پذیرایی و فضای مناسب برای استراحت اعضا، رضایت کلی از کیفیت محیط مسکونی.	سرمایه‌های فرهنگی
دسترسی به خدمات امکانات	خانه بهداشت، مغازه برای تأمین مایحتاج، وسیله حمل و نقل به شهر، جاده و راه مناسب به شهر، آب آشامیدنی سالم، شبکه گازرسانی، جایگاه برای پر کردن کپسول گاز، دامپزشک. تراکتور، موتورسیکلت، یخچال، اجاق گاز، جاروبرقی، موتور برق، تانکر آب.	سرمایه‌های طبیعی
زمین آب	میزان حاصلخیزی خاک مزرعه، سطح علوفه مرتع، میزان رشد گیاه در زمین.	
منابع طبیعی	میزان دسترسی به آب چشمه و قنات، دسترسی به منابع و محصولات طبیعی، وضعیت دسترسی به مرتع.	
هزینه و پس انداز	متوسط هزینه سالیانه، میزان پس انداز سالیانه، دریافت وام.	سرمایه‌های مالی
اشتغال دام	امید به آینده شغلی و پیشرفت شغلی، داشتن امنیت شغلی، داشتن فرصت‌های شغلی متنوع در منطقه. دارا بودن دام، داشتن دام‌های مختلف	

۰/۸۱

۰/۸۲

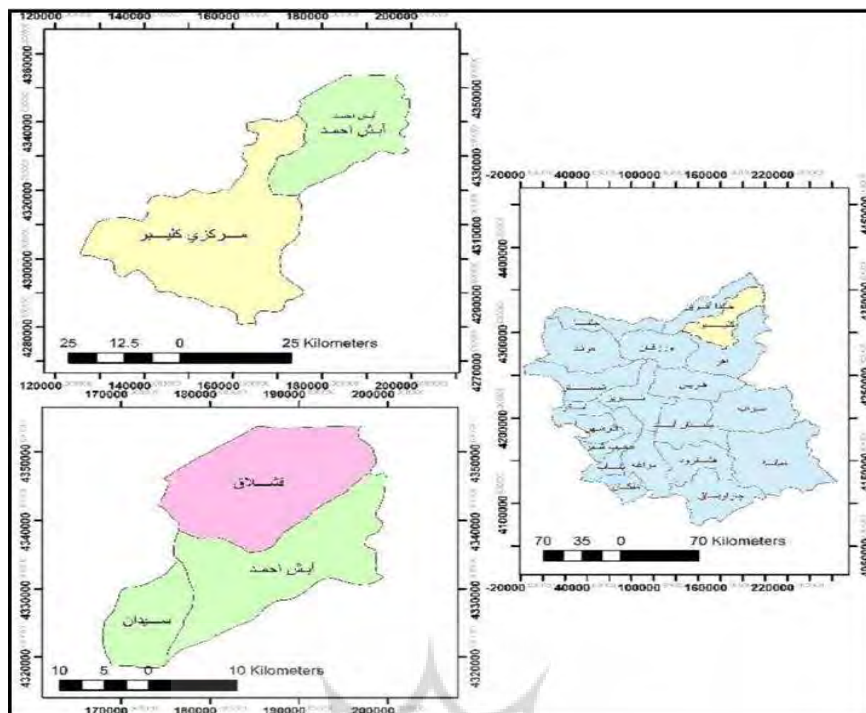
۰/۷۷

منبع: نگارنده با اقتباس از منصور (۱۳۹۱)، قرقانی (۱۳۹۴)، عزیز (۱۳۹۷)، بهروزی (۱۳۹۷)، نوری و محمودیان (۱۳۹۴)، ریاحی و همکاران (۱۳۹۲)، ضیایی و همکاران (۱۳۹۶)، (Akamani(2012) Bec(2016) Becken(2013), Dankelman(2002).

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان کلیبر بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ با جمعیتی بالغ بر ۴۶۱۲۵ نفر دارای دو بخش مرکزی و آبش احمد می‌باشد. بخش مرکزی این شهرستان دارای چهار دهستان به نام‌های مولان، پیغان، میشه پاره و بیلاق با جمعیتی بالغ بر ۲۴۲۹۷ نفر می‌باشد و بخش آبش احمد مشتمل بر سه دهستان آبش احمد، قشلاق و سیدان دارای ۲۱۸۲۸ نفر جمعیت می‌باشد. مطابق با آمار سال ۱۳۹۷، از بین ۵۶ نقطه قشلاقی در شهرستان کلیبر، تعداد ۱۴ منطقه قشلاقی در دهستان آبش احمد (۵۶۹ خانوار برابر با ۲۴۲۲ نفر)، ۳۲ نقطه قشلاقی در دهستان قشلاق (۱۱۸۶ خانوار برابر با ۴۹۱۰ نفر) مشغول کوچ و زندگی عشایری هستند (شکل ۱) (اداره امور عشایر شهرستان کلیبر، ۱۳۹۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل 1. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد از ۲۹۰ نفر عشایر کوچ‌رو پاسخگو به پرسشنامه‌های توزیع شده ۲۵۰ نفر مرد و ۴۰ نفر زن بودند. در بین عشایر اسکان یافته نیز ۳۵ نفر از پاسخگویان مرد و ۵ نفر زن بودند. از لحاظ سن، بیشترین فراوانی در بین عشار کوچ‌رو با ۹۱ نفر در رده سنی ۵۰-۴۱ سال قرار داشتند، در بین عشایر اسکان یافته نیز گروه سنی ۳۱ تا ۴۵ سال با ۱۳ نفر پاسخگو بیشترین فراوانی را دارا بود. از لحاظ وضعیت تأهل ۲۴۶ نفر از عشایر کوچ‌رو پاسخگو متأهل و ۴۴ نفر مجرد بودند. وضعیت تأهل عشایر اسکان یافته پاسخگو به پرسشنامه‌های توزیع شده نشان می‌دهد ۳۶ نفر متأهل و ۴ نفر مجرد بودند. وضعیت تحصیلات هر دو گروه پاسخگو نشان می‌دهد میزان تحصیلات سیکل با بیشترین فراوانی در بین عشایر کوچ‌رو ۱۲۹ نفر و در بین عشایر اسکان یافته ۱۴ نفر پاسخگو بودند.

یافته‌های توصیفی پژوهش در رابطه با متغیرهای ۱۴ گانه کیفیت معیشت نشان می‌دهد که بالاترین میزان میانگین $3/64$ مربوط به متغیر تعامل و همبستگی اجتماعی است که انحراف معیار آن $1/25$ بدست آمد. در این شاخص کار گروهی و کمک به یکدیگر، شرکت در مراسمات مشترک (شادی و عزا) و داشتن روابط صمیمانه با همسایگان در بالا بودن میانگین آن تأثیر مثبت داشتند و پایین‌ترین میزان میانگین $2/64$ مربوط به متغیر کیفیت محیط سکونت است که انحراف معیار این شاخص $0/63$ ارزیابی گردید. در این شاخص مطابق با پاسخ‌های ارائه شده محیط مسکونی عشایر در برابر حوادث از مقاومت چندانی برخوردار نبود و از سوی دیگر دسترسی مناسبی به حمام و سرویس بهداشتی فراهم نبود. همچنین بر اساس نظر پاسخگویان داشتن فضایی برای استراحت و پذیرایی و دسترسی به سیستم سرمایشی و گرمایشی نیز در حد مطلوب واقع نبود. در مجموع میانگین کل کیفیت معیشت عشایر عدد $2/97$ و انحراف معیار آن $1/07$ ارزیابی گردید. سایر شاخص‌ها در طیفی بین این دو قرار داشتند (جدول ۳).

جدول ۳. یافته‌های توصیفی متغیرهای چهارده‌گانه معیشت در بین عشایر کوچنده

انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌های چهارده‌گانه	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌های چهارده‌گانه
۰/۹۵	۲/۹۱	زمین	۱/۰۲	۳/۰۸	مهارت
۱/۱۲	۲/۸۴	آب	۱/۱۲	۲/۸۵	تعدیه و بهداشت
۱/۲۳	۳/۲۶	منابع طبیعی	۱/۱۸	۳/۲۵	مشارکت
۱/۰۶	۲/۹۰	هزینه و پس انداز	۱/۰۵	۲/۹۶	اعتماد
۱/۰۵	۲/۷۹	اشتغال	۱/۲۵	۳/۴۶	تعامل و همبستگی اجتماعی
۱/۰۵	۳/۱۴	دام	۰/۶۳	۲/۶۴	کیفیت محیط سکونت
۱/۰۷	۲/۹۷	کل	۱/۰۵	۲/۷۰	دسترسی به خدمات
			۰/۹۶	۲/۸۸	دسترسی به ماشین آلات

همانگونه که در بخش روش پژوهش ذکر گردید در این بخش جهت بررسی میانگین شاخص‌های مورد مطالعه از آزمون t تک نمونه‌ای بهره گرفته شد. نتایج نشان می‌دهد، در رابطه با معناداری، بین میانگین نظری با میانگین‌های به‌دست آمده (میانگین تجربی) متغیرهای ۱۴ گانه عشایر به غیر از شاخص اعتماد تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد. چرا که اول اختلاف میانگین نسبتاً بالایی وجود دارد، دوم مقدار آماره t به‌دست آمده بزرگ‌تر از آماره t استاندارد است (بزرگ‌تر از ۱/۹۶ چه مثبت چه منفی)، سوم مقدار Sig یا معنی‌داری به‌دست آمده برای آزمون t تک نمونه‌ای که آزمونی دو دامنه‌ای است کمتر از ۰/۰۲۵ است، چهارم فاصله بین کران بالا و پایین صفر را شامل نمی‌شود. به غیر از متغیر اعتماد که با میانگینی نزدیک به میانگین نظری (برابر با ۳) در حد متوسط ارزیابی می‌شود، سایر شاخص‌ها از میانگین پایین‌تری نسبت به میانگین نظری برخوردار هستند (جدول ۵).

جدول ۴. یافته‌های توصیفی متغیرهای چهارده‌گانه معیشت در بین عشایر اسکان یافته

انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌های چهارده‌گانه	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌های چهارده‌گانه
۰/۹۵	۲/۸۸	زمین	۱/۳۱	۳/۲۱	مهارت
۱/۱۲	۳/۰۷	آب	۱/۱۲	۲/۹۵	تعدیه و بهداشت
۱/۲۳	۲/۹۸	منابع طبیعی	۱/۰۹	۳/۱۲	مشارکت
۱/۱۷	۳/۰۹	هزینه و پس انداز	۱/۱۲	۳/۰۳	اعتماد
۱/۰۵	۲/۸۰	اشتغال	۱/۲۵	۳/۴۶	تعامل و همبستگی اجتماعی
۰/۹۶	۳/۰۹	دام	۱/۱۲	۳/۱۳	کیفیت محیط سکونت
۱/۲۵	۳/۰۵	کل	۱/۱۲	۲/۷۴	دسترسی به خدمات
			۰/۹۶	۲/۹۷	دسترسی به ماشین آلات

در بین عشایر اسکان یافته میانگین کل برابر ۳/۰۵ برآورد گردیده است که بالاتر از میانگین تئوریک و نیز بالاتر از میانگین متغیرها در جامعه عشایر کوچنده است.

دلایل متعددی بر عدم مناسب بودن میانگین این شاخص‌ها از سوی عشایر وجود دارد و عدم رضایت آنها را به دنبال داشته است. عدم ارائه مهارت‌های کشتارگاهی مناسب، عدم تولید صنایع پوستی، مهارت در کارهای فنی و سایر فعالیت‌ها مانند پرورش گیاهان دارویی و قارچ زمینه عدم رضایت عشایر را به دنبال داشته است. از سوی دیگر دارا نبودن دفترچه بیمه و عدم دسترسی به پزشک مناسب در سال، افزایش تعداد بیماری‌های مشترک بین دام و انسان و درمان آنها، بر عدم رضایت آنها افزوده است همچنین عدم تعداد مناسب واحدهای خدماتی برای تأمین نیازهای اولیه، نبود آب آشامیدنی سالم، کمبود وسایل حمل و نقل و راه‌های ارتباطی مطلوب، زمینه عدم رضایت عشایر از خدمات و امکانات را به دنبال داشته است. در ادامه نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای متغیرهای مورد بررسی و مقایسه تطبیقی بین دو جامعه عشایری ارائه شده است (جدول ۵ و ۶).

جدول ۵. آزمون t تک نمونه‌ای برای متغیرهای چهارده‌گانه معیشت در بین عشایر کوچ‌رو

سطح معنی‌داری ۹۵ درصد		ارزش تست = ۳		مقدار آماره t	متغیرهای چهارده‌گانه
کران بالا	کران پایین	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری (sig)		
۰/۲۱	-۰/۵	-۰/۸	۰/۰۱	۱/۹۸	مهارت
۰/۰۹	-۰/۳۳	-۰/۱۵	۰/۰۳۰	-۲/۲۱	تغذیه و بهداشت
۰/۵۲	۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۰۰	۲/۵۹	مشارکت
۰/۱۷	-۰/۱۸	-۰/۰۴	۰/۰۲	-۰/۱۷	اعتماد
۰/۸۱	۰/۱۹	۰/۴۶	۰/۰۱	۵/۸۲	تعامل و همبستگی اجتماعی
-۰/۱۴	-۰/۴۲	-۰/۲۶	۰/۰۱	-۵/۱۵	کیفیت محیط سکونت
-۰/۱۶	-۰/۴۳	-۰/۲۹	۰/۰۳	-۳/۹۵	دسترسی به خدمات
۰/۵	-۰/۲۸	-۰/۱۲	۰/۰۷	-۲/۶۸	دسترسی به ماشین آلات
-۰/۱۶	-۰/۱۷	-۰/۰۹	۰/۱۲۹	۲/۱۲	قابلیت زمین
۰/۰۱	-۰/۳۱	-۰/۱۵	۰/۱۲۹	-۱/۹۹	قابلیت آب
۰/۵۳	۰/۱۱	۰/۲۶	۰/۰۲۰	۲/۵۹	منابع طبیعی
۰/۱۷	۰/۳۳	-۰/۰۹	۰/۲۳۹	۲/۰۱	هزینه و پس انداز
۰/۰۴	-۰/۲۳	-۰/۱۱	۰/۰۵	-۱/۹۶	اشتغال
۰/۳۲	-۰/۰۴	۰/۱۴	۰/۱۷۴	۱/۹۸	دام
۰/۲۳	۰/۲۵	-۰/۰۲	۰/۰۳	۲/۲۴	کل

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بین میانگین نظری با میانگین‌های به‌دست آمده (میانگین تجربی) متغیرهای ۱۴ گانه عشایر کوچ‌رو تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد (به غیر از متغیر اعتماد). چرا که اول اختلاف میانگین نسبتاً بالایی وجود دارد، دوم مقدار آماره t به‌دست آمده بزرگ‌تر از آماره t استاندارد است (بزرگ‌تر از ۱/۹۶ چه مثبت چه منفی)، سوم مقدار sig یا معنی‌داری به‌دست آمده برای آزمون t تک نمونه‌ای که آزمون دو دامنه‌ای است کمتر از ۰/۰۲۵ است، چهارم فاصله بین کران بالا و پایین صفر را شامل نمی‌شود. به غیر از متغیر اعتماد که با میانگینی نزدیک به میانگین نظری (برابر با ۳) در حد متوسط ارزیابی می‌شود، مابقی متغیرها از میانگین بالاتری نسبت به میانگین نظری برخوردار هستند (جدول ۵).

جدول ۶. آزمون t تک نمونه‌ای برای متغیرهای چهارده‌گانه معیشت در بین عشایر اسکان یافته

سطح معنی‌داری ۹۵ درصد		ارزش تست = ۳		مقدار آماره t	متغیرهای چهارده‌گانه
کران بالا	کران پایین	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری (sig)		
۰/۰۲	۰/۲۱	۰/۰۰	۳۹	۴/۳۹	مهارت
-۰/۲۳	-۰/۰۵	۰/۰۳۰	۳۹	-۳/۱۲	تغذیه و بهداشت
۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۰۰	۳۹	۲/۵۹	مشارکت
-۰/۱۸	-۰/۰۴	۰/۰۲	۳۹	-۰/۱۷	اعتماد
۰/۱۹	۰/۴۶	۰/۰۱	۳۹	۵/۸۲	تعامل و همبستگی اجتماعی
-۰/۰۸	۰/۱۳	۰/۰۲	۳۹	۱/۵۹	کیفیت محیط سکونت
-۰/۴۳	-۰/۲۵	۰/۰۳	۳۹	-۶/۹۰	دسترسی به خدمات
-۰/۲۲	-۰/۰۳	۰/۰۱	۳۹	-۲/۱۴	دسترسی به ماشین آلات
-۰/۳۳	-۰/۱۲	۰/۱۲۹	۳۹	۲/۲۱	قابلیت زمین
-۰/۲۱	۰/۰۷	۰/۰۲۱	۳۹	۳/۵۴	قابلیت آب

منابع طبیعی	۳/۱۲	۳۹	۰/۱۰۲	-۰/۰۲	-۰/۲۱
هزینه و پس انداز	۲/۰۴	۳۹	۰/۲۰۱	۰/۰۹	-۰/۲۱
اشتغال	-۱/۹۸	۳۹	۰/۰۵	-۰/۲۰	-۰/۴۱
دام	۱/۹۸	۳۹	۰/۴۱۲	۰/۰۹	-۰/۲۰
کل	۲/۵۴	۳۹	۰/۱۰۴	-۰/۰۵	-۰/۱۶

در بین عشایر اسکان یافته، بین میانگین نظری با میانگین‌های به‌دست آمده (میانگین تجربی) متغیرهای ۱۴گانه تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد (به غیر از متغیر اعتماد). چرا که اول اختلاف میانگین نسبتاً بالایی وجود دارد، دوم مقدار آماره t به‌دست آمده بزرگ‌تر از آماره t استاندارد است (بزرگ‌تر از ۱/۹۶ چه مثبت چه منفی)، سوم مقدار Sig یا معنی‌داری به‌دست آمده برای آزمون t تک نمونه‌ای که آزمونی دو دامنه‌ای است کمتر از ۰/۰۲۵ است، چهارم فاصله بین کران بالا و پایین صفر را شامل نمی‌شود. به غیر از متغیر اعتماد که با میانگینی نزدیک به میانگین نظری (برابر با ۳) در حد متوسط ارزیابی می‌شود، مابقی متغیرها از میانگین بالاتری نسبت به میانگین نظری برخوردار هستند (جدول ۶).

نتایج جدول گویای آن است بیشترین میزان همبستگی در جامعه عشایری اسکان یافته بین اشتغال و کیفیت معیشت با میزان ۰/۸۷۱ است که همبستگی بسیار شدیدی را نشان می‌دهد و این امر بدان خاطر است که این دو شاخص در حد بسیار شدیدی از تغییرات یکدیگر را تبیین می‌کنند. این شاخص در جامعه عشایری کوچنده مربوط به متغیر منابع طبیعی است که بستر معیشت دام را تشکیل می‌دهد. (جدول ۷)

جدول ۷. نتایج ضریب همبستگی پیرسون در بین عشایر اسکان یافته

ابعاد	متغیرها	عشایر اسکان یافته		کیفیت معیشت عشایر کوچرو	
		معنی‌داری	پیرسون	معنی‌داری	پیرسون
سرمایه‌انسانی	مهارت	۰/۵۱۰	-۰/۰۰۰	۰/۴۵۲	۰/۰۰۰
	تعدیه و بهداشت	۰/۲۴۴	-۰/۱۰۲	۰/۲۳۱	۰/۱۰۲
	مشارکت	۰/۴۵۲	-۰/۰۰۲	۰/۵۲۶	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	اعتماد	۰/۲۳۱	-۰/۰۵۳	۰/۲۱۰	۰/۰۵۳
	تعامل و همبستگی اجتماعی	۰/۵۱۰	-۰/۰۲۱	۰/۵۲۹	۰/۰۲۱
	کیفیت محیط سکونت	۰/۴۱۷	-۰/۰۰۱	۰/۳۴۵	۰/۰۰۱
سرمایه فیزیکی	دسترسی به خدمات	۰/۵۲۱	۰/۰۰	۰/۴۱۹	۰/۰۰۳
	دسترسی به ماشین آلات	۰/۲۸۷	-۰/۱۰۱	۰/۳۵۶	۰/۱۰۱
	قابلیت زمین	۰/۴۷۸	-۰/۰۰۱	۰/۴۲۹	۰/۰۰۱
سرمایه طبیعی	قابلیت آب	۰/۴۱۳	-۰/۰۰۸	۰/۳۳۷	۰/۰۰۱
	منابع طبیعی	۰/۶۱۰	-۰/۰۰۰	۰/۵۶۱	۰/۰۰۱
	هزینه و پس انداز	۰/۷۴۵	-۰/۰۰۰	۰/۶۴۱	۰/۰۰۴
سرمایه مالی	اشتغال	۰/۸۷۱	-۰/۰۰۰	۰/۵۲۴	۰/۰۰۱
	دام	۰/۳۵۹	-۰/۰۰۶	۰/۴۵۹	۰/۰۰۲

همانطور که ملاحظه می‌گردد نتایج آزمون ضریب پیرسون در دو جامعه مورد بررسی عشایر اسکان یافته و کوچ رو نشان می‌دهد که بین تمام متغیرها و معیارهای مورد بررسی و کیفیت معیشت با اندکی تفاوت ارتباط معنی‌داری وجود دارد و تمامی این متغیرها بر روی کیفیت معیشت عشایر چه اسکان یافته و چه کوچرو اثرگذار است. با این تفاوت که متغیرهایی همچون دسترسی به خدمات، دسترسی به ماشین آلات، دام، مهارت و مشارکت در جامعه عشایر کوچرو اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر مولفه‌ها بر روی کیفیت معیشت دارد و برعکس در جامعه عشایری اسکان یافته، مولفه‌هایی همچون زمین، اشتغال، پس انداز، و سرمایه طبیعی شامل قابلیت زمین، قابلیت آب و کیفیت محیط سکونت تأثیرات بیشتری بر کیفیت معیشت دارد.

نتیجه گیری

تحلیل و ارزیابی شرایط کیفی معیشت به واسطه روش‌های کمی و مدل‌های تجربی، رویکردی است که امروزه برای شناسایی سطح کلی کیفیت معیشت به کار می‌رود. در این میان، دست پیدا کردن به نتایجی نزدیک به واقعیت و قابل اعتماد که میان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری پیرامون راهکارهای اقدام و مداخله قرار گیرد؛ مشروط به کاربرد آن دسته از رویکردهای سنجش کیفیت معیشت است که بر ارزیابی دیدگاه‌های ساکنان در مورد وجوه مختلف استوار می‌باشد.

بر اساس نتایج به دست آمده از امتیازات و آزمون‌های صورت گرفته بر روی داده‌ها، کیفیت معیشت عشایر کوچ‌رو در مقایسه با عشایر اسکان یافته سلین در قالب متغیرهای ۱۴ گانه از سطح پایین تری برخوردار است و سرپرستان خانوار عشایر کوچ‌رو کیفیت معیشت‌شان را در حد متوسط رو به پایینی (با میانگین ۲/۹۷) ارزیابی می‌کنند با این حال سطح رضایتمندی بر طبق معیارها و عوامل، متفاوت است و ساکنان کیفیت معیشت را از لحاظ متغیرهای مهارت، مشارکت، تعامل و همبستگی اجتماعی، منابع طبیعی و دام در حدی مناسبی ارزیابی کرده و از آن رضایت داشته‌اند. اما در رابطه با عشایر اسکان یافته، سرپرستان کیفیت معیشت‌شان در حد متوسط رو به بالا (با میانگین ۳/۰۵) ارزیابی کرده‌اند با این حال ساکنان کیفیت معیشت را از لحاظ متغیرهای تغذیه و بهداشت، دسترسی به خدمات، دسترسی به ماشین آلات، زمین، منابع طبیعی و اشتغال در حدی نامناسبی ارزیابی کرده و از آن رضایت نداشته‌اند. در مجموع و به طور خلاصه می‌توان گفت نتایج حاصل از روش T تک نمونه‌ای نشان داد که کیفیت معیشت عشایر کوچ‌رو (با میانگین ۲/۹۷) کم‌تر از میانگین نظری (۳) و در حد متوسط رو به پایین ارزیابی می‌شود. همچنین کیفیت معیشت عشایر اسکان یافته (با میانگین ۳/۰۵) بالاتر از میانگین نظری (۳) و در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان رابطه معنادار بین متغیرهای مورد بررسی پژوهش با کیفیت معیشت عشایر کوچ‌رو و اسکان یافته را نشان داد.

با توجه به نتایج تحقیق، به منظور بهبود معیشت عشایر جهت هر گونه برنامه‌ریزی در جهت تغییر معیشت باید از شرایط جغرافیایی طبیعی حاکم، باورهای اجتماعی، شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی الهام گرفت. این تغییر در صورتی موجه است که با تغییر شیوه تولید غیر وابسته با مرتع همراه باشد و به منظور دامپروری در جهت تولید بیشتر طراحی گردد زیرا در غیر این صورت به فقر بیشتر منجر خواهد شد. نگرش‌های عشایر گانه حکایت از عدم درک و به رسمیت شناختن خصوصیات فرهنگی عشایر به وسیله افراد جامعه، نگرش منفی نسبت به روند آینده، مدیریت ناکارآمد مراتع، نگرش نه چندان مطلوب به تغییر شیوه معیشت و به خصوص عدم پذیرش گسیختگی از وابستگی ایلی، تلفیق با فعالیت دامی و عدم رهایی آن حتی برای آینده نسل‌های خود، علاقه فراوان به توسعه دامداری و دامنه ترجیحات سرمایه گذاری آمادگی برای تحول نو تنوع فعالیت‌های تولید دامی در طریق ادغام دامداری با کشاورزی و ضرورت حمایت نهادها و دولت نکات قابل توجه و پنداشته‌های خانوارهای عشایری می‌باشند. از سوی دیگر توجه به عدم تأثیر نه‌چندان مثبت اسکان بر اقتصاد عشایر و تداوم شرایط قبل از اسکان، تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی در جامعه عشایری اسکان یافته با بهره‌گیری از امکانات، قابلیت‌ها و استعداد‌های مناطق عشایری به منظور ایجاد، بهبود و توسعه اشتغال، درآمد پایدار و کمک به نگهداشت جمعیت در زیست‌بوم‌ها فراهم گردد. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادی زیر ارائه می‌گردد:

- افزایش یا بهبود شرایط خدمات‌رسانی در زمینه‌های مختلف آموزشی، بهداشتی، درمانی، خدماتی، ارتباطی و ... بر اساس شرایط محلی و با کاربرد شیوه‌های سیار برای عشایر کوچ‌رو؛
- توسعه آموزش رسمی و غیررسمی شامل آموزش‌های فنی، مهارتی و ترویجی متناسب با نیازهای جامعه عشایری اسکان یافته و اسکان نیافته، در راستای تقویت وضعیت اقتصادی؛
- تقویت جنبه‌های گردشگری جامعه عشایری کوچ‌رو با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و تلاش برای نهادینه کردن و بهره‌برداری مطلوب از آن‌ها؛
- انجام تحقیقات و بهره‌گیری از یافته‌های علمی و مطالعه مناطق مستعد در عرصه زیست‌بوم‌های عشایری به منظور حمایت از اسکان عشایر داوطلب و ساماندهی کوچ متناسب با شرایط بومی و محلی؛
- توسعه پوشش نهادهای حمایتی و بیمه‌های اجتماعی و خدمات‌رسانی بهتر در جامعه عشایری کوچ‌رو؛
- گسترش فعالیت‌های صنعتی در مناطق عشایری اسکان یافته به منظور ایجاد فرصت‌های جدید شغلی، افزایش درآمد، بهره‌گیری مطلوب از فرآورده‌های تولیدی، تقویت بنیادهای تولید و تحول فناورانه در مناطق عشایر اسکان یافته؛ و
- ایجاد واحدها و توسعه و ترویج بهداشت عمومی و فردی.

منابع

- Abdolahi, m.(2007), Nomadic settlement and development of their social life in Iran, a case study of Ali Nazar clan in Ilam province, *Social Sciences Letter*, 19, pp32-53. (In Persian)
- Afrakhte, h.(2005), Drought and livelihood transformation of Tafta semi-nomads, *Journal of Geographical Sciences*, 5, pp 107-126. (In Persian)
- Ahmed, M., Saha, S. M., Hossain. E., Khan, A., Prodhon, M. H.(2021), Assessment of livelihood and food poverty status of the floating fishermen in riverine system of Bangladesh, *Social Sciences & Humanities Open*, 4 , 100219.
- Ashley, C, (2000). The impacts of tourism on rural livelihoods: Namibia's experience, Overseas Development Institute London, Working paper, 128,pp 1-31.
- Barimani, f., fazelnia, gh., saiadi, z.(2018), The Impact of Nomadic Settlement on Women's Participation in Providing Household Income, Case Study: Sistani Nomadic Women, *Human Geography Research*, 49(4), pp10-126. (In Persian)
- Cheraghi, t., porsaeed, a., eshragh samani, r., arayesh, m.b., vahedi, m.(2020), Analysis of livelihood sustainability and nomadic settlement methods in Ilam city, space economy and rural development, 9(2), pp89-104. (In Persian)
- CHF. (2005), Sustainable Livelihoods Approach Guidelines, Partners in Rural development, Chapel, Ottawa, Canada.
- De Haas, H. (2007), Remittances, migration and social development. A Conceptual Review of the Literature. *Social policy and development*, 37.
- Ellis, F. (2000), Rural livelihoods and diversity in developing countries. Oxford university press, Countries: evidence and policy implications, 40, pp1-10.
- Fan, J., Liang, Y., Tao. A. (2011), Energy policies for sustainable livelihoods and sustainable development of poor areas in China, *Energy policy*, 39, pp1200-1212.
- Fang, Y., J. Fan., M. Song. (2014), Sensitivity of livelihood strategy to livelihood capital in mountain areas: Empirical analysis based on different settlements in the upper reaches of the Mining River, China, *Ecological indicators*, 38, pp225-235.
- Ghazali, s., zibaei, m.(2022), Investigating the economic and environmental sustainability of nomadic livelihood in Fars province using fuzzy logic, *Agricultural Economics*, 15(2), pp89-111. (In Persian)
- Jiao, X., Pouliot, M. and Waleign, S.Z, (2017) .Livelihood strategies and dynamics in rural Cambodia, *World Development*, 97, pp266-278.
- Karami dehkordi, e., Ansari, a.(2012), The effect of rangeland management and watershed management projects on sustainable livelihoods of rural households in Zanjan city, new agricultural technologies, Especially Agricultural Extension And Education, 5(2), pp107-136. (In Persian)
- Moamadi, a., shirvanian, a.r., chbokro, gh.(2016), Investigating the economic poverty of the settled tribes of Fars province and determining the factors affecting it, *Rural And Development*, 19(3), pp101-119. (In Persian)
- Moghaddad jafari, m. h., dorosti, a.a., abasi, e.(2011), Nomadic settlement, challenges and solutions, *Studies Of Tribes And Nomads*, 1(1), pp113-136.(In Persian)
- Motiei langrodi, s.h., ghadiri masoom, m., rezvani, m., nazari, a.h., sahneh, b.(2011), The Impact of Immigrant Returns to Rural Areas on Improving Residents' Livelihoods: A Case Study: Aqqala County, *Human Geographical Research*, 87, pp83-67. (In Persian)
- Rashednasab, kh.a., ahmadvand, m.(2019), Explain the strategies of improving the livelihood of nomads in Gachsaran city, *Rural Development Strategies*, 5(1), pp67-85. (In Persian)
- Riahi, v., Ahmadi, r., azmi, a.(2015), Investigating the Role of Housing Plans in Economic and Social Development of Nomads, Case Study: Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Provincial Centers, *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 13(28), pp95-112. (In Persian)
- Salmani, m., rezvani, m.r., poortaheri, m., vaisi, f.(2011), The role of seasonal labor migration in the livelihood of rural households, a case study: Sarvabad city - Kurdistan province, *Human Geography Research*, 77, pp111-127. (In Persian)
- Shakoori, a., bahrami, sh.(2014), Study of the Impact of Rural Tourism on Poverty Reduction from the Perspective of Sustainable Livelihood: The Case of Qala-e-Naw and Klein Villages in Rey County, *Rural Development*, 6(1), pp1-24. (In Persian)

- Shekari, F., Z, M., Faghihi, A.h., Jomehpour, M,(2020). Nomadic livelihood resilience through tourism, *Annals of Tourism Research Empirical Insights*, 3(1), 100034.
- Shen, F.(2009), *Tourism and the sustainable livelihoods approach: application within the Chinese context*, Lincoln University.
- Tang, Q., Bennett, S., Li, Y.(2013), *Agricultural practices and sustainable livelihoods: Rural transformation within the Loess Plateau, China*, *Applied Geography*, 41, pp15-23.
- Tao, T. C., Wall, G. (2009), *Tourism as a sustainable livelihood strategy*, *Tourism management*, 30, pp 90-98.
- Thulstrup, A. W, (2015). *Livelihood Resilience and Adaptive Capacity: Tracing Changes in Household Access to Capital in Central Vietnam*, *World Development*, 74(3), pages 352-362.
- Timalsina, K. P.(2007), *Rural urban migration and livelihood in the informal sector: A study of street vendors of Kathmandu Metropolitan City, Nepal*, Norwegian university of Science and Technology (NTNU).
- Zhang, Q., Wang, Y., Tao, S., Bilsborrow, R.E., Qiu, T., Liu, C., Song, C.(2020), *Divergent socioeconomic-ecological outcomes of China's conversion of cropland to forest program in the subtropical mountainous area and the semi-arid Loess Plateau*, *Ecosystem Services*, 45, 101167.

